

## دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی و دو ترجمه در دست انتشار از قرآن

دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی در اواخر سال ۱۳۶۸ تأسیس گردید. هدف دفتر معرفی دورکن اصلی هدایت یعنی قرآن و اهل البیت (ع) به جوامع اسلامی و انسانی است. از این رو دفتر از یکسو به تحقیق و نشر در زمینه سیرت پیامبر (ص) و اهل البیت علیهم السلام، اصحاب بزرگوار آنان و بطور کلی تاریخ پر بار صدر اسلام اشتغال داشته و از سوی دیگر از همان آغاز با تأسیس واحدی وابسته تحت عنوان دارالقرآن الکریم به تحقیق و نشر درباره قرآن کریم و ترجمه‌های آن و علوم قرآنی پرداخته است.

درباره ترجمه قرآن، هیئت علمی دارالقرآن الکریم پس از بررسی ترجمه‌های مختلف قرآن، ترجمه تفسیر نمونه را انتخاب کرده تا پس از انجام اصلاحات لازم آن را بچاپ برساند. بدین منظور دفتر قراردادی با حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی منعقد کرد و کار روی این ترجمه آغاز گردید. این ترجمه بزودی منتشر خواهد شد.

به فاصله کوتاهی پس از شروع کار بر روی این ترجمه، ترجمه دیگری از قرآن به قلم استاد محمدمهدی فولادوند، استاد بازنشسته دانشگاه تهران، جهت نشر به دفتر واگذار شد. دفتر با جلب نظر استاد و با استفاده از فضیلت قرآن پژوه حوزه علمیه قم کار بررسی و تجدیدنظر روی این ترجمه را آغاز و این کار را طی سه سال به پایان رساند و سپس برای ویراستاری نهایی آن را به آقای بهاء‌الدین خرمشاهی سپرد. این ترجمه در واقع حاصل همکاری عملی حوزه و دانشگاه است.

ترجمه قرآن استاد فولادوند حاصل سی سال کار و تلاش ایشان است و با بیش از صد دوره ترجمه فارسی کهن و جدید، تفاسیر عربی و ترجمه‌های فرانسه و انگلیسی مقابله شده است. در سال ۱۳۴۶ بخش مختصری از آن منتشر شد که مورد توجه بسیاری از بزرگان قرار گرفت. آقای محمدعلی جمال‌زاده در نامه‌ای از ژنو به تاریخ ۶ بهمن ۴۶ چنین می‌نویسد: «جناب‌عالی در این

رساله مختصر... سرمشق خوبی به ما داده‌اید و راه کار رانشان داده‌اید که این کتاب عظیم‌الشان را به چه صورتی میتوان به فارسی ترجمه کرد که هر ایرانی کم‌سوادی هم از عهده خواندن آن برآید و الحق ترجمه‌ای که انجام داده‌اید بطوری که خودتان در مقدمه زیبایی فرموده‌اید دلکش و عبرت‌انگیز و خالی از دشواریهای لفظی و معنوی است و باز بقول خودتان نهایت دقت و امانت در نقل محتویات این کتاب آسمانی بعمل آمده است.»

لازم به ذکر است که در دوران ستمشاهی پس از آنکه به اصطلاح قرآن آریامهر و قرآن شهبانو چاپ و منتشر می‌شود نماینده‌ای از دربار برای خرید امتیاز نشر این ترجمه با استاد فولادوند وارد مذاکره می‌شود و پیشنهاد مبلغ کلانی برای این کار می‌دهد تا قرآنی با ترجمه بنام ولیعهد چاپ و منتشر شود اما استاد فولادوند که می‌داند هدف اینان خدمت به ساحت مقدس قرآن نیست بلکه قصد استفاده تبلیغاتی از این کار را دارند نمی‌پذیرد.

برای معرفی این دو ترجمه نخست مقدمه حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی بر ترجمه‌شان از قرآن را به همراه منتخبی از این ترجمه می‌آوریم. سپس مطلبی را که جناب آقای خرمشاهی در معرفی ترجمه استاد فولادوند نوشته‌اند به همراه گزیده‌ای از ترجمه استاد در اینجا نقل می‌کنیم. در ضمن از حجت‌الاسلام محمد قاسم نصیرپور مسئول محترم دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی که گزیده‌ای از این دو ترجمه را به همراه شرحی مختصر درباره فعالیت‌های دفتر و سابقه این دو ترجمه در اختیار ما گذاشتند تشکر می‌کنیم.

## معرفی ترجمه‌ای ارزنده و روان از قرآن کریم:

### آیت‌الله مکارم شیرازی

برای روشن شدن چگونگی پیدایش ترجمه‌ای که به معرفی آن میپردازیم مناسب است سخنی درباره ترجمه قرآن، به‌طور کلی و سخنی درباره خصوص ترجمه مزبور داشته باشیم. ترجمه یکی از مشکل‌ترین و پیچیده‌ترین فنون نویسنده‌گی است، هرچند گروهی آنرا از همه ساده‌تر می‌پندارند! مترجم باید آنچنان سلطه‌ای به هر دو زبان، و محتوای متنی که میخواهد ترجمه کند، داشته باشد که معانی را بطور کامل از لباس الفاظ «زبان اول» عریان سازد، سپس لباس «زبان دوم» را به‌طور کامل بر آن بپوشاند، به گونه‌ای که احساس نشود این کلام ترجمه از زبان دیگری است و این کاری است بسیار دشوار، و نیاز به ظرافتها و ریزه کاریهای فراوانی دارد که از حوصله این مختصر خارج است.

ترجمه به یکی از سه صورت ممکن است انجام گیرد:

اول ترجمه «کلمه به کلمه» یا به اصطلاح «تحت اللفظی» است که هر واژه‌ای از زبان اول را بر میدارند و واژه معادل آنرا در زبان دوم به جای آن می‌گذارند، و این بدترین نوع ترجمه است که نه تنها زیبا نیست، بلکه بسیار نارسا و احياناً غلط است. نه تنها امانت نیست بلکه گاه ناآگاهانه خیانت است. چه نازیباست که مثلاً کلمات «بین ایدیهن و ارجلهن» که در آیه ۱۲ سوره ممتحنه آمده است را برداریم و دقیقاً معنی تحت اللفظی آنرا به جای آن بگذاریم. در حالی که معادل واقعی آن در زبان فارسی «پیش رو» و «پیش پای» آنهاست.

نوع دوم «ترجمه آزاد» است که در این صورت مترجم خود را مقید به انتقال دقیق محتوای متن مورد نظر نمیداند، بلکه به تناسب اهدافی که دارد محتوا را کم یا زیاد کرده و یا شرح و توضیحی بر آن می‌افزاید، هرچند روح متن مورد نظر در مجموع ترجمه محفوظ است، ولی بدیهی است که نمی‌توان نام ترجمه بر آن نهاد.

نوع سوم «ترجمه محتوا به محتوا» به طور دقیق است و همانطور که در بالا اشاره شد در این نوع ترجمه باید نخست معانی دقیقاً از لباس زبان اول برهنه شود و در مغز جای گیرد، سپس به طور دقیق به لباس زبان دوم آراسته گردد، و آنچه شایسته ترجمه‌های قرآن و مانند آنست همین نوع می‌باشد، هرچند ترجمه قرآن هر قدر دقیق و حساب شده باشد هرگز نمیتواند لطف و عمق و ظرافت آیات قرآن را منعکس کند که آن کلام خداست و این به هر حال کلام مخلوق است، در عین حال برای تشنگان زلال قرآن که آشنا به زبان عربی نیستند ناگزیر از آن هستیم. این نکته نیز قابل توجه است که ترجمه گاه در شکل ادبیات کهن ریخته می‌شود و تعبیرات نامأنوسی همچون «همانا» و «هرآینه» و «مراورا» و لغاتی که در فارسی امروز به هیچ‌وجه معمول نیست بر آن افزوده می‌شود که مسلماً جالب نیست و گاه در قالب زبان ادبی امروز ریخته می‌شود که احياناً خالی از تکلف نمی‌باشد و گاه به زبان روزمره توده مردم است، که از هر دو دلنشین‌تر و مؤثرتر و برای اهداف تربیتی مناسبتر است.

ترجمه ما از نوع سوم یعنی ترجمه محتوا به محتوا است. (جز در موارد نادری که ضرورت ایجاب کرده) و نیز از نوع ترجمه به زبان روزمره توده مردم است و به همین دلیل در بسیاری از موارد الفاظ عربی که آمیخته با زبان فارسی شده، و جزئی از آن گردیده و کاملاً مأنوس است به جای واژه‌های فارسی «سره» نامأنوس نشسته است، زیرا هدف «لسان قوم» بوده که قرآن بر آن تأکید دارد، نه «لسان ادبای قوم»، و مقصود اصلی فهم معانی است، نه ارائه یک متن ادیبانه.

این ترجمه در اصل از ترجمه‌ای گرفته شده که در تفسیر نمونه آمده و محصول ۱۵ سال کار روی تفسیر قرآن مجید است. ولی هنگامی که از سوی مؤسسه محترم دارالقرآن‌الکریم وابسته به دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی به اینجانب خبر دادند که آنرا به عنوان بهترین ترجمه فارسی

برگزیده‌اند و می‌خواهند پس از تجدیدنظر به صورت جالبی منتشر سازند من نیز دریغ دانستم که بدون تجدیدنظر و بررسیهای مجدد این کار انجام گیرد، به همین دلیل هیئت علمی دفتر مطالعات از سوی دفتر مأمور بررسی و تحقیق شدند و کار را روی آن آغاز کردند و اصلاحات پیشنهادی آنان مورد دقت قرار گرفت و در بسیاری از موارد، مورد قبول بود، سپس به ویراستاری سپرده شد و در این مرحله نیز کار خوبی به وسیله یکی از فضلاء روی آن انجام گرفت، که من به نوبه خود از همه آنها سپاسگزارم.

این برنامه حدود سه سال به طول انجامید و بحمد... ترجمه مزبور کاملتر و پربرتر شد. در تمامی موارد کار با تفاهم و همدلی پیشرفت و دفتر مطالعات نیز برای اینکار هزینه‌های فراوانی صرف نمود.

هدف این بوده که ترجمه‌ای روان، گویا و در عین حال دقیق و محکم برای همگان مخصوصاً نسل جوان تحصیل کرده امروز فراهم شود، که حتی بدون مراجعه به تفسیر قابل درک و فهم باشد و راه را برای آشنایی هر چه بیشتر با این کتاب بزرگ آسمانی که دریایی است بیکران از معارف الهی و مفاهیم والای انسانساز، بگشاید و نیز هدف این بود که پایه‌ای باشد برای ترجمه‌های دقیقتر قرآن به زبانهای دیگر جهان.

انشاءالله ترجمه مزبور همراه با متن مقدس قرآن کریم به زودی منتشر خواهد شد از اینرو چنانچه صاحب‌نظران عزیز باز به نقایصی برخوردند برای ما بفرستند متشکر خواهیم شد.

مؤسسه برای انتخاب یک نسخه زیبا و صحیح و تذهیب آن نیز زحمات زیادی متحمل گردید تا این مجموعه از هر نظر جالب باشد. این نکته نیز مهم است که تمام اینها در واقع مقدمه‌ایست برای آگاهی هر چه بیشتر از محتوای این کتاب بزرگ آسمانی و آن آگاهی نیز به نوبه خود مقدمه‌ایست برای ساختن خود و جامعه خود بر طبق آن، و سزاوار است همه خوانندگان عزیز این هدف مهم و عالی را همواره در نظر داشته باشند.

در پایان با نهایت خضوع دست به درگاه خدای بزرگ بر می‌داریم و از الطاف خفیه و عنایات بیکرانش استمداد می‌جوئیم و عرض می‌کنیم، بارالها به همه ما توفیق بهره‌گیری از این پیام نورانی و بی‌ظنیر برای ساختن خویش و اصلاح جامعه بشری مرحمت فرماید و با زبان قال و حال به این آیه کریمه مترنم می‌شویم:

رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَ تَوَقَّاتِمَ الْآبَرَارِ.

## نمونه‌ای از ترجمه قرآن آیت‌الله مکارم شیرازی

سوره آل عمران

در مدینه نازل شده، و ۲۰۰ آیه است.

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

۱- الم

۲- معبودی جز خداوند یگانه زنده و پایدار و نگهدارنده، نیست.

۳- (همان کسی که) کتاب را بحق بر تو نازل کرد، که با نشانه‌های کتب پیشین، منطبق است؛ و

«تورات» و «انجیل» را

۴- پیش از آن، برای هدایت مردم فرستاد؛ و (نیز) کتابی که حق را از باطل مشخص می‌سازد، نازل کرد؛ کسانی که به آیاتِ خدا کافر شدند، کیفر شدیدی دارند؛ و خداوند (برای کیفر بدکاران و کافران لجوج)، توانا و صاحب انتقام است.

۵- هیچ چیز، در آسمان و زمین، بر خدا مخفی نمی‌ماند (بنابراین، تدبیر آنها بر او مشکل نیست).

۶- او کسی است که شما را در رحم (مادران)، آنچنان که می‌خواهد تصویر می‌کند. معبودی جز خداوند توانا و حکیم، نیست.

۷- او کسی است که این کتاب (آسمانی) را بر تو نازل کرد؛ که قسمتی از آن، آیاتِ «محکم» [= صریح و روشن] است؛ که اساس این کتاب می‌باشد؛ (و هرگونه پیچیدگی در آیات دیگر، با مراجعه به اینها، برطرف می‌گردد.) و قسمتی از آن، «متشابه» است [= آیاتی که به خاطر بالا بردن سطح مطلب و جهات دیگر، در نگاه اول، احتمالات مختلفی در آن می‌رود، ولی با توجه به آیاتِ محکم، تفسیر آنها آشکار می‌گردد.] اما آنها که در قلوبشان انحراف است، به دنبال متشابهاتند، تا فتنه‌انگیزی کنند (و مردم را گمراه سازند)؛ و تفسیر (نادرستی) برای آن می‌طلبند؛ در حالی که تفسیر آنها را، جز خدا و راسخان در علم، نمی‌دانند. (آنها که به دنبال فهم و درک اسرارِ همه آیاتِ قرآن در پرتو علم و دانش الهی) می‌گویند: «ما به همه آن ایمان آوردیم؛ همه از طرف پروردگار ماست.» و جز صاحبانِ عقل، متذکر نمی‌شوند (و این حقیقت را درک نمی‌کنند).

۸- (راسخان در علم، می‌گویند:) «پروردگارا! دلهايمان را، بعد از آنکه ما را هدایت کردی، (از

راه حق) منحرف مگردان! و از سوی خود، رحمتی بر ما بیخش، زیرا تو بخشنده‌ای!

۹- پروردگارا! تو مردم را، برای روزی که تردیدی در آن نیست، جمع خواهی کرد؛ زیرا خداوند، از وعده خود، تخلف نمی‌کند (ما به تو و رحمت بی‌پایانت، و به وعده رستاخیز و قیامت

ایمان داریم.»

۱۰- ثروتها و فرزندان کسانی که کافر شدند، نمی‌تواند آنان را از (عذاب) خداوند باز دارد؛ (و از کيفر، رهایی بخشند). و آنان خود، آتشگیره دوزخند.

۱۱- (عادت آنان در انکار و تحریف حقایق،) همچون عادت آل فرعون و کسانی است که پیش از آنها بودند؛ آیات ما را تکذیب کردند، و خداوند آنها را به (کیفر) گناهانشان گرفت؛ و خداوند، شدیدالعقاب است.

۱۲- به آنها که کافر شدند بگو: «(از پیروزی موقت خود در جنگ اُحد، شاد نباشید!) بزودی مغلوب خواهید شد؛ و (سپس در رستاخیز) به سوی جهنم، محشور خواهید شد. و چه بد جایگاهی است!

۱۳- در دو گروهی که (در میدان جنگ بدر،) با هم روبه‌رو شدند، نشانه (و درس عبرتی) برای شما بود: یک گروه، در راه خدا نبرد می‌کرد؛ و جمع دیگری که کافر بود، (در راه شیطان و بت،) در حالی که آنها (گروه مؤمنان) را با چشم خود، دو برابر آنچه بودند، می‌دیدند. (و این خود عاملی برای وحشت و شکست آنها شد.) و خداوند، هر کس را بخواهد (و شایسته بدانند)، با یاری خود، تأیید می‌کند. در این، عبرتی است برای بینایان!

۱۴- محبت امور مادی، از زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا و نقره و اسبهای ممتاز و چهارپایان و زراعت، در نظر مردم جلوه داده شده است؛ (تا در پرتو آن، آزمایش و تربیت شوند؛ ولی) اینها (در صورتی که هدف نهایی آدمی را تشکیل دهند،) سرمایه زندگی پست (مادی) است؛ و سرانجام نیک (و زندگی والا و جاویدان)، نزد خداست.

۱۵- بگو: «آیا شما را از چیزی آگاه کنم که از این (سرمایه‌های مادی)، بهتر است؟» برای کسانی که پرهیزگاری پیشه کرده‌اند، (و از این سرمایه‌ها، در راه مشروع و حق و عدالت، استفاده می‌کنند،) در نزد پروردگارشان (در جهان دیگر)، باغهایی است که نهرها از پای درختانش می‌گذرد؛ همیشه در آن خواهند بود؛ و همسرانی پاکیزه، و خشنودی خداوند (نصیب آنهاست). و خدا به (امور) بندگان، بیناست.

۱۶- همان کسانی که می‌گویند: «پروردگارا! ما ایمان آورده‌ایم؛ پس گناهان ما را بیامرز، و ما را از عذاب آتش، نگاهدار!»

۱۷- آنها که (در برابر مشکلات، و در مسیر اطاعت و ترک گناه،) استقامت می‌ورزند، راستگو هستند، (در برابر خدا) خضوع، و (در راه او) انفاق می‌کنند، و در سحرگاهان، استغفار می‌نمایند.

۱۸- خداوند، (با ایجاد نظام واحد جهان هستی،) گواهی می‌دهد که معبودی جز او نیست؛ و فرشتگان و صاحبان دانش، (هر کدام به گونه‌ای بر این مطلب،) گواهی می‌دهند؛ در حالی که (خداوند در تمام عالم) قیام به عدالت دارد؛ معبودی جز او نیست، که هم توانا و هم حکیم است.